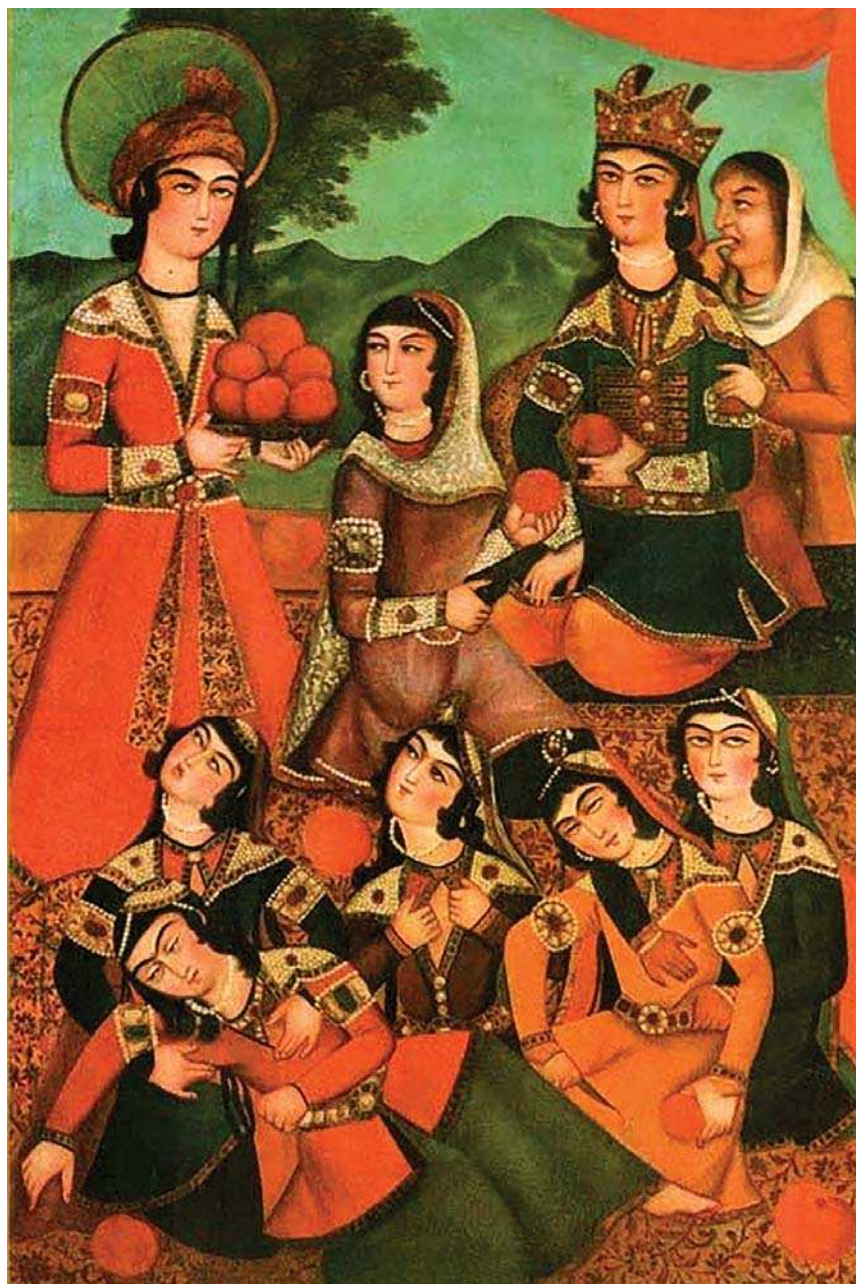


مطالعه تطبیقی روایت «یوسف»
در متون مقدس، ادبیات فارسی و
نگارگری ایرانی ۷۵-۹۳



مدهوش شدن ندیمگان زلیخا از
جمال یوسف؛ بدون رقم، تهران، قرن
۱۹ م/ ۱۴ هـ ۶۰×۴۵، موزه سعدآباد
مأخذ: پاکباز، ۱۳۸۰: ۱۷۸.



مطالعه تطبیقی روایت «یوسف» در متون مقدس، ادبیات فارسی و نگارگری ایرانی

مرضیه گلاب گیر اصفهانی * زهرا فنایی **

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۹

صفحه ۷۵ تا ۹۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

متنهای ادبی-هنری در بستر شکل گیریشان بهتر شناخته و رمزگشایی می‌شوند. رمزهای اثر بطور جدی متأثر از حوضچه‌های معنایی است که در آن تکوین می‌یابد. از همین رویک متن در دوره‌های گوناگون دارای دلالت پردازیهایی متفاوتی می‌شود. داستان یوسف، از داستانهای است که در متون مقدس تورات و قرآن، هنر، ادبیات و عرفان دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و در طول زمان و مستمر، هنرمندان نگارگر، شاعر و فیلمساز زیادی به آن پرداخته‌اند. این پژوهش با اهداف شناسایی عناصر مورد توجه و مولفه‌های بکار رفته در روایت یوسف در متون مقدس، ادبیات فارسی و نگارگری ایرانی و شناسایی شباهتها و تفاوت‌های این روایت در متون متفاوت ادبی، هنری و مقدس، به مطالعه این روایت می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوالات است که ۱- خرده روایتها و عوامل تاثیرگذار بر نحوه ارائه روایت یوسف در متون متفاوت کدامند؟ و ۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در ارائه این روایت در متون متفاوت ادبی، هنری و مقدس دیده می‌شود؟ روش تحقیق در این پژوهش به شیوه تحلیلی و تطبیقی انجام و جمع‌آوری مطالب به شیوه اسنادی می‌باشد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده از روایت و خرده روایتها در قرآن و تورات، نسخه‌های طغانشاهی، قمی و جامی در ادبیات، نگاره بهزاد و سه نگاره از فرشچیان بررسی و با یکدیگر تطبیق داده شدند. نتایج نشان می‌دهد استفاده از خرده روایتها در طول زمان و بنا به مقتضیات فرهنگی-اجتماعی متفاوت بوده و هنرمندان ضمن تاکید بر اصل داستان ذکر شده در تورات و قرآن، عواملی مانند تاثیر متقابل جامعه و اسطوره بر یکدیگر، تغییر جامعه و فرهنگ و تاثیر آن بر دیدگاه هنرمند را در نظر گرفته و خرده روایت‌های متفاوتی را وارد گونه‌های هنری کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها

روایت یوسف، متون مقدس، متون ادبی، متون هنری.

* استادیار، گروه هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Email:marziehgolabgir@gmail.com

** دانش‌آموخته پژوهش پژوهش هنر، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Email:zahraf1351@gmail.com

مقدمه

هر روش و یا حتی هر پدیده فرهنگی به مفهوم عام آن که نسبت به الگووارهٔ زمان خویش به هر طریق ممکن واکنش نشان ندهد، از میان خواهد رفت به بیان دیگر تمامی شیوه‌های علمی - تحقیقاتی و اکثر آثار هنری و ادبی و پدیده‌های اجتماعی حیات فعال خود را مدیون تطابق با روح زمان خویش هستند و همراهی نکردن آن پدیده‌ها و متن‌ها با مقتضیات زمان خود به مفهوم مرگ آن خواهد بود. اسطوره‌ها و روایات اسطوره‌ای نیز از این قانون مستثنی نیستند. هر روایت اسطوره‌ای در طول زمان خود، از ایجاد تا تکامل و یا تغییر و دگردیسی خود، این قانون را شامل می‌شود. در طول دوران حیات یک متن، بسته به بستر اجتماعی و روایت‌کنندهٔ آن متن، تغییراتی در نوع روایت و خرده روایت‌هایش اتفاق می‌افتد.

اسطوره سنجی و اسطوره کاوی پیش تر توسط "دوروژمون" مورد استفاده قرار گرفت و بعدها توسط "ژیلبر دوران" ابعاد گسترده تری در حوزه مطالعات انسان شناسانه، ادبیات و هنر یافت. این مقوله کوشید تا علاوه بر مطالعه متن ادبی - هنری به مطالعه فرهنگ و گفتمان و به گفتهٔ ژیلبر دوران "حوضچه معنایی" اثر نیز بپردازد. اسطوره کاوی به پژوهشگران این عرصه اجازه می‌دهد تا تفاوت‌های فردی و فرهنگی را نیز در نظر گرفته و همانند گذشته در جستجوی چارچوبها و ساختارهای کلانی که همهٔ یک پیکره مطالعاتی را در آن جای بدهد، نگردند. اتفاق بزرگ دیگری که با تحلیل‌های اسطوره‌ای روی می‌دهد خروج از متن‌ها به بافتها و گفتمان جمعی و اجتماعی است. به بیان دیگر، در اسطوره کاوی به روابط میان اسطوره و بافت آن توجه بسیار شده و مطالعات مربوط به اسطوره از محدوده متن‌ها خارج می‌گردد.

این پژوهش در نظر دارد روایت یوسف را در متن‌های متفاوت ادبی، هنری و دینی بررسی کرده و در این راستا مواردی همچون تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، زندگی شخصی مولف در روایت و تحلیل اسطوره در دوره‌های متفاوت خلق اثر و نحوه بیان در هر رسانه را مورد توجه قرار می‌دهد. داستان یوسف پیامبر (ع) از جمله روایت‌های اسطوره‌ای است که به شیوه‌های مختلف در کتاب‌های مقدس (تورات و قرآن)، داستانها و ادبیات عرفانی ایرانی، نگارگری و نقاشی قدیم و جدید و نیز در سینما (به طور مستقیم و غیر مستقیم) به کار رفته و در هر دوره‌ای با الگو وارهٔ زمان خویش و با تأثیراتی که مولف بر روایت داشته به شیوه‌ای خاص بیان گردیده است. پژوهش پیش رو این داستان را در تورات، قرآن، منظومه طغانشاهی، مسعود قمی و هفت اورنگ جامی و نگاره‌های بهزاد و فرشچیان بررسی می‌کند.

اهداف پژوهش عبارتند از: ۱- شناسایی عناصر مورد توجه و مولفه‌های به کار رفته در روایت یوسف در متون

مقدس، ادبیات فارسی و نگارگری ایرانی و ۲- شناسایی شباهتها و تفاوت‌های این روایت در متون متفاوت ادبی، هنری و مقدس، به مطالعه این روایت می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوالات است که ۱- خرده روایتها و عوامل تأثیرگذار بر نحوه ارائهٔ روایت یوسف در متون متفاوت کدامند؟ و ۲- چه شباهتها و تفاوت‌هایی در ارائه این روایت در متون متفاوت ادبی، هنری و مقدس دیده می‌شود؟ بررسی عمر طولانی، ماندگاری، زنده بودن و کاربرد این اسطوره - روایت در طول دوره‌های تاریخی بویژه در دوره معاصر در رسانه‌های متفاوت ضرورت و اهمیت این تحقیق را نشان می‌دهد و همچنین استفاده از خرده روایت‌ها، تغییر در شیوه روایت در زمان‌های متفاوت، تأثیرات جامعه بر روایت در زمان‌های گوناگون، تأثیر مولف و الگو وارهٔ زمانه بر اثر و تأثیر آن بر جامعه از ضرورت‌های انجام این پژوهش می‌باشد. شیوهٔ تجزیه و تحلیل کیفی است.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت اسنادی و بوسیلهٔ فیش برداری می‌باشد. یافتن الگوی داستان یوسف در زمان‌های مختلف و تغییرات و تفاوت‌های موجود در روایت‌های ذکر شده از این داستان و واکاوی اسطوره‌ها و تطبیق متون با یکدیگر از اهداف دیگر این پژوهش است. جامعه آماری کلیه متون مرتبط با داستان یوسف شامل متون مقدس، ادبیات، سینما و تلویزیون، نقاشی و نگارگری را در بر می‌گیرد. و از این آثار نه نمونه شامل روایت یوسف در تورات، قرآن، منظومه طغانشاهی، مسعود قمی، جامی، نگاره‌های بهزاد و استاد فرشچیان انتخاب و تجزیه و تحلیل می‌شوند. در تجزیه و تحلیلها ابتدا متون پایه و مذهبی و شیوه پردازش آنها به روایت بررسی می‌شود و سپس این شیوه‌های پردازش در هر کدام از نمونه‌های ذکر شده مورد بررسی، تجزیه و تحلیل و تطبیق قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش این مقاله روایت یوسف در کتب مقدس، ادبیات فارسی و هنرهای تجسمی می‌باشد. مطالعات انجام شده در زمینه ادبیات فارسی بیشمار است ولی نزدیکترین موارد مرتبط با موضوع مورد نظر عبارتند از: زواری و نوالفقاری (۱۳۸۸) به روایت شناسی قصه یوسف و زلیخا بر اساس سه روایت طغانشاهی، خواجه مسعود قمی و جامی پرداخته و شباهتها و تفاوت‌های موجود در اثر این سه شاعر را بررسی کرده است. خیامپور (۱۳۳۹) به فهرستی از داستانها و روایت‌های مرتبط با یوسف و زلیخا و تفاوت‌های این داستان در تورات و قرآن پرداخته است. کاظمی و حیدری (۱۳۹۱) روایت یوسف و زلیخا را در



می‌شود؛ سیاوش پس از امتناع مورد تهمت سودابه قرار می‌گیرد، از آتش می‌گذرد و بی‌گناهی‌اش ثابت می‌شود ولی باز مجبور به ترک خانه می‌گردد. در داستان هیپولیت، فدره همسر تزه عاشق ناپسری خود هیپولیت می‌شود و یا در داستان سلمان و آبسال سروده جامی که زن سلمان عاشق برادر کوچک تر همسرش ابسال می‌شود.

در کتاب منظومه‌های فارسی، فهرست ۴۲ منظومه فارسی از داستان یوسف و زلیخا ذکر شده است که برخی از آنها موجود است (خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۵۶) اولین روایت بجای مانده متعلق به اوایل سده ششم هجری و نوشته شده توسط امانی یا شمس است و به یوسف و زلیخای طغانشاهی (منسوب به فردوسی) معروف است و آخرین آنها توسط هادی نامدار (معاصر) در ۱۳۴۷ قمری در بمبئی به چاپ رسیده است. (مشار، ۱۳۵۲: ج ۲، ۳۴۵۸) تعداد ۲۴ شاعر دیگر تنها نامشان در کتاب‌های تذکره در شمار یوسف و زلیخا گویان ثبت شده و هنوز نشانی از مثنوی‌های آنان در دست نیست. بر اساس آنچه از منابع بدست آمده ۵۷ شاعر فارسی گو این داستان را سروده اند که از این میان ۳۳ اثر باقی مانده است. همچنین ۲۹ منظومه ترکی به تقلید از یوسف و زلیخای فارسی سروده شده که برخی از آنها در دست است. (خیامپور، ۱۳۳۹: ۲۲). از این داستان شش روایت در شبه قاره هند و متونی انگلیسی و اسپانیایی وجود دارد که موفق‌ترین روایت انگلیسی «یوسف» یا «عزیز کرده فرعون» اثر «آیلت» است (ارباب شیرانی، ۱۳۹۱: ۶۷). جز موارد ذکر شده نیز ده‌ها حکایت از این داستان در متون ادب فارسی به نظم و نثر وجود دارد که یا برگرفته از داستان اصلی هستند و یا آفریده ذهن خلاق نویسندگان که به فراخور حال و مقام و برای تبیین مبانی و مفاهیم مورد نظر سروده شده اند. (زوری و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۴۴) از میان منظومه‌های فارسی روایت‌های طغانشاهی، خواجه مسعود قمی و جامی شهرت بیشتری دارند.

چرایی زنده ماندن روایت یوسف

فقط هنگامی که یک قصه شامل خواسته‌های خودآگاه و ناخودآگاه بیشتر انسان‌ها باشد همواره و مدام تعریف و با علاقه بسیار پذیرفته می‌شود. هیچ رویای فردی نمی‌تواند چنین علاقه پایداری را برانگیزد مگر آنکه به شکل اسطوره درآید. (بتلهایم، ۱۳۸۴: ۶۱) این داستان نیز مثل اکثر داستان‌های اسطوره‌ای مخاطب قصه را با گوشه‌هایی از وجود خود آشنا می‌کند که شاید خودش نیز با آن درگیری دارد و از آن رنج می‌برد. هر کس در مواقعی تبعیض، تحقیر، تنبیه و منع ورود به جمع دیگران را نسبت به خواهر و برادر در کودکی و در زمان بزرگسالی در بین افراد جامعه و در گروه‌های متفاوت احساس کرده است. این حسی است که شاید باعث ایجاد همزاد پنداری ما با این قصه می‌شود. یوسف توسط برادران طرد می‌شود. یوسف در این داستان

منظومه‌های فارسی و روایت عربی احمد النویری بررسی و به این نتیجه رسیده که همه بیشتر به قران وفادار بوده و فردوسی و النویری به تورات نیز توجه داشته‌اند. احمدی و ظریفی (۱۳۹۳) بازتاب داستان یوسف را در اشعار شاعران معاصر عربی و فارسی بررسی کرده است. مرادی، فنایی و شمس (۱۳۹۵) به بررسی تطبیقی ظرفیت‌های دراماتیک داستان غنایی یوسف و زلیخای جامی با ساختار فیلمنامه داستانی پرداخته است. پژوهش‌های صورت گرفته بر روایت یوسف و زلیخا در حوزه ادبیات و بیشتر به نوع پردازش داستان و نیز تطبیق نسخه‌ها و نحوه ارائه روایت است و تا کنون پژوهشی بصورت تطبیقی بین متون مقدس، ادبیات و هنرهای تجسمی در این زمینه صورت نپذیرفته است.

روایت‌های گوناگون از داستان یوسف

روایت عاشقانه یوسف و زلیخا در بین فرهنگها و هنرمندان در متون متفاوت حرکت کرده و به زندگی جداگانه‌ای در آن فرهنگها ادامه داده است. گوته در مورد داستان یوسف می‌گوید: «این قصه معمولی بسیار دلنشین است، فقط بیش از حد کوتاه است و انسان ترغیب می‌شود که جزئیات آن را شرح دهد.» (ارباب شیرانی، ۱۳۹۱: ۴۷) قصه یوسف و زلیخا داستان شناخته شده‌ای است. داستان پسری زیبا به نام یوسف که به خاطر توجه پدرش مورد حسد برادران قرار می‌گیرد. برادرانش او را به چاه می‌اندازند و به پدر می‌گویند که گرگ او را دریده است. یوسف توسط کاروانی از چاه نجات می‌یابد و به بردگی به مصر می‌رود. عزیز مصر او را به فرزندی می‌گیرد، مادر خوانده‌اش عاشق او شده و این عشق باعث به زندان افتادن یوسف می‌شود، به واسطه تعبیر خواب یکی از زندانیان از زندان خلاص و به مقام عزیزی مصر می‌رسد، مصر را از قحطی و خشکسالی نجات می‌دهد و در نهایت پدر و برادرانش را در مصر ملاقات می‌کند. این داستان به شیوه‌های مختلف در فرهنگها و زبان‌ها و زمان‌های گوناگون روایت شده است. روایت‌هایی از آن در دو کتاب مقدس یعنی در قرآن در سوره یوسف و ریشه عبری آن در سفر تکوین در کتاب مقدس دیده می‌شود. ولی شاید متن قدیمی‌تر از آن را در متون مصری با نام قصه‌ی دو برادر بتوان یافت. در این قصه برادر جوان‌تر مجرد است و زن برادر قصد فریب او را دارد. برادر جوان مقاومت می‌کند و زن بیمناک از آشکار شدن افکار پلیدش مدعی می‌شود که برادر جوان قصد فریب او را داشته است. برادر بزرگتر با عصبانیت قصد کشتن برادر کوچک را می‌کند ولی خدایان دخالت کرده او را فراری می‌دهند. پس از مدتی با ترش شدن طعم نوشیدنی‌های برادر بزرگتر او متوجه اشتباه خود شده و برای نجات برادر کوچک‌تر اقدام می‌کند. (بتلهایم، ۱۳۸۴: ۱۵۳) در شاهنامه سودابه عاشق فرزند همسرش سیاوش

به خاطر بی‌توجهی نامادری طرد نمی‌شود. او به این خاطر که مورد توجه زیاد پدر و عمه‌اش است، طرد می‌شود. ابتدا در کودکی عمه به خاطر تملک یوسف به او تهمت دزدی می‌زند و او را با خود به خانه می‌برد. ولی هرچه هست این تحقیر و این عدم قبول از طرف اطرافیان، او را آماده یک تلاش برای ورود به اجتماع می‌کند. یوسف از تعلق داشتن به یک فرد و پذیرفته نشدن در جمع یا گروه خود را ناکام احساس می‌کند و مخاطب با این حس همراه داستان می‌شود تا این گوشه تاریک ذهن خود را توسط همراهی با داستان درمان کند. این تغییر در شیوه روایت و اضافه شدن خرده روایتها در دوره‌ها و متون مختلف، متفاوت است و بسته به نیاز جامعه و نوع فرهنگ غالبی که متن در آن مطرح می‌شود و شکل می‌گیرد، تغییر می‌کند و باعث ارتباط بیشتر مخاطب با اثر و زنده ماندن آن می‌شود.

اسطوره‌ها با تاثیر از یک قصه جامعه را در روند تغییرات خود تسکین می‌دهند. به خاطر همین ایجاز قصه است که هر فرد با روایت خاصی از داستان می‌تواند درونمایه و تم حاکم بر ذهن خود را به مخاطب منتقل کند. در داستان‌های اساطیری این سیطره بزرگتر شده و به جامعه تعمیم پیدا می‌کند. در روایت یوسف ساختار روانشناسانه، نوع ارتباط روانکاوانه اش با مخاطب، ساختار شکل‌گیری شخصیت در هر زمان، تاکید هر مولف بر یک خرده روایت و یا با یک شیوه روایت، همه سعی در ایجاد ارتباط با مخاطب داشته و توانسته خود را مطرح کند و زنده نگه دارد. همچنین روایت توانسته در یک تاثیر متقابل با فرهنگ مخاطب همراه شده و به این ترتیب خواسته‌ها و نیازهای لازم را به او منتقل سازد.

شیوه روایت در متون مذهبی قرآن و عهد عتیق

داستان یوسف و زلیخا تنها قصه کامل در قرآن است. این داستان به روایتی به درخواست اصحاب پیامبر نازل می‌شود تا دل‌هایشان بیاساید. " اینک قصه یوسف تو را گویم تا تو بر ایشان خوانی و این قصه را الحسن القصص خواند، زیرا که در این قصه ذکر پیغامبران و بسامانان است و ذکر فریشتگان و پریان و آدمیان و چهارپایان و مرغان و سایر پادشاهان و آداب بندگان و احوال زندانیان فضل عالمان و نقض جاهلان و مکر و حیلت زنان و شیفتگی عاشقان و عفت جوانمردان و ناله محنت زدگان و تلون احوال دوستان در فرقت و صلت و عز و ذل و غنا و فقر، عاشق و معشوق، حب و بغض، اندوه و شادی، تهمت و بی‌زاری، امیری و اسیری در این قصه چهل عبرت است که مجموع آن در هیچ قصه‌ای نیست" (ناتل خانلری، ۱۳۵۲: ۷). در قدیم ترین روایت منظوم داستان یوسف، به وجود پیوندی میان روایت قرآنی قصه یوسف و شهادت امام حسین تصریح شده است. طبق این روایت قصه مصائب و بعید دراز مدت یوسف ناشی از جفای برادران وی بدان سبب بر پیامبر وحی گردید که وقتی می‌فهمد به حکم تقدیر بر دو نوه اش

حسن و حسین به دست پیروان خود به قتل می‌رسند، از حزن و حیرتش کاسته شود. اگر برادران یوسف قادر باشند چنان مصیبتی را بر سر یوسف بیاورند، محمد (ص) نباید از آنچه پیروانش قرار است در حق نوادگانش روادارند زیاده از حد متعجب و اندوهگین شود (ارباب شیرانی، ۱۳۹۰: ۶۹).

داستان در روایت قرآنی خود از خواب یوسف و تعبیر آن توسط پدرش آغاز و با تعبیر شدن خواب پایان می‌یابد و پدر و برادران در نقش خورشید و ماه و ستارگان همانگونه که در کودکی خواب دیده، مقابل یوسف زانو می‌زنند. در قرآن هیچ ادامه‌ای برای عشق زلیخا وجود ندارد. انگار در روایت قرآن با آوردن زنان مصری و بریدن دستانشان به صورتی پنهان از زلیخا و عملش اعلام برائت می‌شود، به این دلیل که داستان یوسف در قرآن به قصد بیان عشق و ارتباط یوسف با خدا مطرح می‌شود و نه درگیری او با عشق زمینی. در روایت قرآنی به خاطر نگاه روحانی و آن جهانی نسبت به یوسف، تنها خواب سجده یازده ستاره و ماه به خورشید و برحذر داشتن یعقوب از تعریف خواب برای دیگران ذکر شده است و از خواب دوم چیزی ذکر بیان نشده است.

خواب دوم یوسف در تورات، خواب سجده بافه‌های برادران به بافه یوسف است. در تورات شیوه روایت و استفاده از ساختارهای دوتایی جاری است و می‌توان این ساختار دوتایی و تقابل بین یوسف و برادرانش در کل داستان را نیز برگرفته از همین شیوه روایت دانست. یعقوب و برادرش، دو کنیز و دو همسر یعقوب، دو خواب یوسف، و در خواب یوسف خورشید در برابر ماه و ستارگان، بافه یوسف در برابر بافه برادران، هفت گاو فرجه در برابر هفت گاو لاغر ... و این تکرار دو تایی نه تنها در ساختارهای جزئی داستان که در کل روایت خود داستان در تورات هم دیده می‌شود. حتی داستان یوسف در این کتاب مقدس دو بار و در دو جای متفاوت ذکر شده است.

شیوه داستان در تورات یک شیوه روایت خطی است. قصه کامل و با ذکر جزئیات و با همان روایت خاص کل کتاب، از اول بیان می‌شود. داستان از یعقوب و نیرنگ به برادرش و ازدواجش با دو خواهر و بعد تولد یوسف و... (عهد عتیق، سفر پیدایش، ۵۰-۳۷) ولی روایت در قرآن شیوه خطی ندارد. یوسف و یعقوب در اولین گفتگو طوری صحبت می‌کنند گویا آینده را می‌دانند، فرض قصه نیز این است که مخاطب قصه را می‌داند. قرآن در شیوه قصه گویی از شیوه اشارتی (یعنی شیوه‌ای که به بهترین عنصر یا اتفاق آن عمل اشاره دارد) استفاده می‌کند و داستان به شیوه‌ی بند بند روایت می‌شود. حتی در بعضی جاها ما آخر داستان را در آغاز آن داریم که این شیوه درست نقطه مقابل روایت خطی تورات است. شیوه روایت در قرآن دایره‌ای است. سابقه این روایت را در کات‌های اوستا

متوسط عرضه گردیده است. از طرف دیگر پردازش قرآن از این روایت بیشتر به صورت نمای نزدیک و تفصیلی است. البته صحنه‌های چندی نیز هست که از منظر گسترده-تری بدان نگاه می‌شود.

کانون توجه در قرآن خود یوسف است و هیچ کس به غیر از یوسف در داستان نام ندارد. این شاید برای شاخص کردن شخصیت یوسف و خاص کردن او تاثیر زیادی در پرداخت داستان در قرآن دارد. زلیخا، یعقوب، برادران همه به صورت شخصیت‌های فرعی و فقط به عنوان پیش‌برنده-ای داستان عنوان می‌شوند. در قرآن شخصیت پردازی به صورتی است که ما در آن بیشتر متوجه ارتباط خدا با یک فرد خاص می‌شویم. در شیوه روایت در تورات تمام شخصیتها دارای نام هستند و ارتباط قبیله و نژاد یوسف مورد اهمیت است و تحقق رویاها برای یوسف به عنوان فرد منجی در معبر و چارچوب ناجی یک قوم و نگهداری نفوس در جهان عنوان می‌شود و نه ارتباط فردی یک شخص با خدا.

قرآن فقط یک خواب یوسف و همان خواب ماه و ستارگان را ذکر می‌کند و خواب بافه‌ها فقط در تورات ذکر می‌شود. نحوه ارائه و برخورد یعقوب در قرآن و تورات متفاوت است. در قرآن یوسف خواب را تنها برای پدر تعریف می‌کند و یعقوب پس از شنیدن خواب یوسف به او می‌گوید: "فرزندم خواب خود را برای برادران بازگو مکن" (قرآن، سوره یوسف: آیه ۵) ولی در تورات یوسف خواب بافه‌ها را برای برادران تعریف می‌کند و مورد خشم و کینه آنها قرار می‌گیرد و خواب ماه و ستاره‌ها را برای برادران و پدر می‌گوید و با حسد برادران و خشم پدر مواجه می‌شود. (سفر پیدایش، ۱۱:۳۷) جدول شماره یک نتایج بدست آمده از تطبیق روایت یوسف در قرآن و تورات نشان داده شده است.

روایت یوسف در مشهورترین نسخه‌های ادبیات فارسی

سه روایت معروف و معتبر این داستان عبارتند از یوسف و زلیخای طغانشاهی منسوب به فردوسی که در نیمه دوم قرن پنجم و احتمالاً توسط شاعری به نام شمس‌ی سروده شده و به طغانشاه برادر سلطان ملک‌شاه سلجوقی تقدیم شده است (مینوی، ۱۳۷۲: ۱۲۵) ولی به دلیل شباهت‌های سبکی با شاهنامه فردوسی به وی منسوب شده است (صفا، ۱۳۷۱: ۴۹۰). روایت دوم نوشته شده توسط مسعود قمی از شاعران قرن نهم هجری است (خواجہ مسعود، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۵) و روایت سوم در ۸۸۰ هجری توسط جامی سروده شده است (جامی، ۱۳۷۷: ۲۶۹) روایت یوسف و زلیخای طغانشاهی و خواجہ مسعود قمی به هم نزدیک تر و نسبت به روایت جامی به قرآن وفادارترند. روایت جامی که مشهورترین روایت منظوم این داستان است دارای بن



تصویر ۱. گریز یوسف، بهزاد، بوستان، ۸۹۵ق، کتابخانه ملی قاهره

هم می‌توانیم ببینیم. مثلاً در گات‌ها به جای روایت خطی یک قصه، به پاره پاره‌های اعمال داستانی اشاره می‌کند. انگار قصد این است که با ذکر بعضی اعمال کل یک قصه احضار شود. اما آنچه به شکل آیات بیشتر نزدیک است قالب قصیده است. هر بیت یک قصیده هم به دلیل تبعیت از وزن دیگر ابیات و هم با توجه به تکرار در پایان هر بیت دایره‌ای است که خود فی نفسه کامل است. پس اگر مجموع یک قصیده، یک قصه را نقل کند، دو بیت به بخشی از یک قصه اشاره می‌کند و خلاء میان این بیت و بیت بعدی توسط خود مخاطب پر می‌شود. آیات سوره یوسف، هم به دلیل نزدیکی هر آیه از نظر حضور نوعی وزن، و هم به دلیل پایان بندی هر آیه با کلماتی کم و بیش هم قافیه، می‌تواند حامل قصه‌ای به شیوه اشارتی و دایره‌ای باشد. شیوه اشارتی همان تذکر افلاطونی است که انگار قصه در لوح روح مخاطب هست. حال اگر به جای جای آن اشاره شود تمام قصه بیدار می‌شود.

در تورات شیوه گفتن بر قصه غلبه دارد و لحظات حساس با استفاده از مکالمه و تغییر لحن روایت به طرز چشمگیر و گویا بیان می‌شود؛ قصه حال و هوای وسیع و گسترده‌ای دارد و داستان در قالب یک رشته شات و یا صحنه کوتاه و

جدول ۱. تفاوتها و شباهتها در نوع ارائه روایت یوسف در دو کتاب مقدس، مأخذ: نگارندگان.

نوع روایت	داستان مذهبی	کتاب مقدس
بستر و زمان	دین اسلام	دین یهود
خرده روایت‌ها	<p>محبوبیت، خواب و تعریف برای پدر، منبع از افشای خواب، محسود واقع شدن، درخواست برادران برای بردن او به صحرا، به چاه افتادن، رهایی از چاه، رفتن به سرزمین دور، فروخته شدن، بزرگ شدن در کاخ، عاشق شدن زن، درخواست زن و پاره شدن پیراهن یوسف، متهم شدن در عین پاکی، بریده شدن دستان زنان، به زندان افتادن، تعبیر خواب زندانیان، درخواست یاری از غیر، تعبیر خواب پادشاه، نجات از زندان، سرپرستی خزانه، دیدن برادران بار اول، دیدن برادر مادری، گذاشتن جام شاه در بار برادر، معرفی خود به برادر نگهداشتن او، آمدن برادران بار سوم، ارسال پیراهن برای یعقوب، آمدن یعقوب و خانواده، سجده کردن خانواده بر او. (قرآن، ترجمه الهی قمشه ای)</p>	<p>محبوبیت، خواب اول و دوم و تعریف برای برادران، تعریف خواب دوم برای پدر و پرخاش پدر، محسود واقع شدن، فرستاده شدن توسط پدر نزد برادران، گرفتاری در چاه، آمدن کاروان و رهایی از چاه، فروخته شدن توسط برادران، بردن پیراهن خونی نزد پدر، رفتن به مصر، خریده شدن توسط فوطیفار، بدست گرفتن زمام امور، فتنه زلیخا، متهم شدن در عین پاکی، به زندان افتادن، محبوبیت در زندان، تعبیر خواب درخواست یاری از غیر خدا، طولانی شدن زندان، تعبیر خواب فرعون، نجات از زندان، عزیزی مصر، حفظ مردم از قحطی، دیدن برادران و تندی با آنان، ۳ روز زندانی کردن برادران، نگهداشتن شمعون و رها کردن بقیه برادران به شرط آوردن برادر دیگر، بردن بنیامین با وساطت یهودا، دیدن بنیامین و اطعام برادران، گذاشتن طاس عزیز در خورجین بنیامین، نگهداشتن بنیامین، معرفی خود به برادران، بشارت زنده بودن یوسف به یعقوب، آمدن خاندان یعقوب نزد یوسف، محبوبیت دوباره.</p>
هدف استفاده از روایت	<p>نشان دادن ارتباط خدا با فرد، تنها نبودن در هر شرایطی، محبوبیت، برگزیده بودن، آزمون، گرفتاری، رهایی، لغزش، پاکدامنی،</p>	<p>نشان دادن اهمیت قوم و نژاد و قبیله فرد (قوم یهود)، ناجی بودن، حفظ نفوس و جمع کردن یک قوم، عزت، آزمون، گرفتاری، رهایی،</p>
ویژگی خاص روایت	<p>تاکید بر شخصیت یوسف پیامبر و گذر از شخصیت‌های فرعی دیگر (سایر اشخاص بدون نام هستند)، توصیف مراحل متفاوت زندگی (محبوبیت، گرفتاری، رهایی، تنبیه، مکنت و عزت)، و توسل به خدا.</p>	<p>ساختارهای دوتایی، تاکید به شخصیت یوسف و توجه به شخصیت‌های داستان، توجه به روایت‌های متفاوت در داستان، خوابگزاری به عنوان ویژگی منحصر بفرد شخص،</p>
شیوه روایت	شیوه روایت دایره ای	شیوه روایت خطی
مواردی که تنها در قرآن به آن اشاره شده	<p>ماجرای زنان مصری و واکنش همسر عزیز به رفتار آن‌ها تاکید بر پاکدامنی یوسف و انتخاب زندان، زمانی که زن او را سر دوراهی زندان و برآورده شدن تقاضایش قرار داد تعبیر خواب یوسف با سجده پدر و مادر و برادران به او</p>	

تفاوتها در روایت		
	<p>دیدن یک خواب (سجده ماه و ستارگان)</p> <p>تعریف خواب برای پدر</p> <p>مخفی کردن خواب از برادران به گفته پدر</p> <p>رفتن به صحرا به درخواست برادران و همراه آنها برای تفریح</p> <p>انداخته شدن در چاه آب و گرفته شدن از چاه توسط کاروان</p> <p>باور نکردن مرگ یوسف، صبر جمیل و امید برای بازگشت او</p> <p>خرید یوسف توسط عزیز مصر</p> <p>کشاندن یوسف به خلوت با درهای بسته</p> <p>تاکید بر پاکدامنی و فرار و پاره شدن پیراهن از پشت</p> <p>مواجهه با عزیز</p> <p>به زندان افتادن بعد از مشخص شدن بی گناهی</p> <p>هدایت و دعوت زندانیان به یکتاپرستی و تاکید بر پیامبری او</p> <p>پادشاه یک بار خواب می بیند</p> <p>فرستاده شاه در زندان تعبیر خواب را از یوسف می پرسد</p> <p>پذیرش درخواست پادشاه منوط به اثبات بی گناهی و پاکدامنی اش</p>	<p>دیدن دو خواب</p> <p>تعریف هر دو خواب برای برادران</p> <p>تعریف خواب برای پدر و پرخاش پدر</p> <p>رفتن به صحرا به درخواست خودش یا پدرش به تنهایی</p> <p>برای آوردن خبر سلامتی برادران و گله انداخته شدن در چاه خشک و فروخته شدن به اسماعیلیان</p> <p>باور مرگ یوسف توسط یعقوب و گریه و مویه بسیار</p> <p>خرید یوسف توسط سردار سپاهیان</p> <p>رفتن به محل کار یوسف</p> <p>گذاشتن پیراهن در دست زن و گریختن به زندان افتادن بلافاصله بعد از شنیدن صحبت های زن</p> <p>تلاشی برای دعوت مردم به توحید دیده نمی شود</p> <p>پادشاه دو بار خواب می بیند (گاوها و خوشه ها)</p> <p>یوسف را به حضور پادشاه می برند</p> <p>پذیرش پیشنهاد پادشاه بدون درخواست اثبات بی گناهی</p>

سه نسخه معروف طغانشاهی، قمی و جامی و تطبیق با تورات و قرآن (منبع نگارندگان)

بر اساس آنچه در جدول شماره ۱ در مورد روایت یوسف در قرآن و تورات مشاهده می شود می توان نکات زیر را عنوان کرد:

۱- اساس روایت در مثنوی های ذکر شده بیشتر برگرفته از نوع روایت خطی تورات و کمتر بر اساس قرآن می باشد.

۲- به دلیل نزدیکی مفاهیم عرفانی (دیدگاه عرفانی شاعران بویژه جامی) به قرآن معانی و مفاهیم بکار رفته در مثنویها که برخی نیز نمادین هستند بیشتر بر اساس مفاهیم و تفاسیر معنوی موجود در قرآن و به هدف روشنگری و هدایت بوده و بر اساس روال خطی داستان در تورات نیست.

مایه های عرفانی و روایی بیشتری است و با منظومه های عاشقانه فارسی نزدیکی بیشتر داشته و مطالب بیشتری از تفسیرها که به متون عبری متکی هستند وارد متن کرده است. بن مایه های اصلی در این داستان عبارتند از: خواب و رویا، حسد، چاره گیری اطرافیان، نیرنگ، چاه، سفر، آغاز عشق از سوی معشوق، عشق یک طرفه، عشق نامادری به نا فرزندی، معجزات، دایه، مجالس بزم، تهمت، تحمل سختی ها، آزمایش، انتظار و انزوا، و برخی داستان های فرعی مانند عشق بازغه، طوفان در صحرا، بریده شدن دست زنان مصری هنگام خوردن میوه، و عشق یعقوب به یوسف. که در جدول شماره ۲ این بن مایه ها در هر نسخه با توجه به مفاهیم و نماد و نشانه ها ذکر شده است.

جدول شماره ۲: شاخصه های روایی داستان یوسف در

۲- از بین ۷۳ مورد ذکر و بررسی شده که در جدول شماره ۲ ذکر گردیده، مثنوی طغانشاهی ۱۸ مورد، مثنوی قمی ۱۷ مورد و جامی ۷ مورد از فرازهای گسترده داستانی را در مثنوی‌های خود استفاده نکرده اند که نشان می‌دهد جامی در داستان خود خرده روایت‌های بسیار بیشتری (بیشتر از ۲ برابر نسبت به طغانشاهی و قمی) بکار برده است.

روایت یوسف در نگارگری

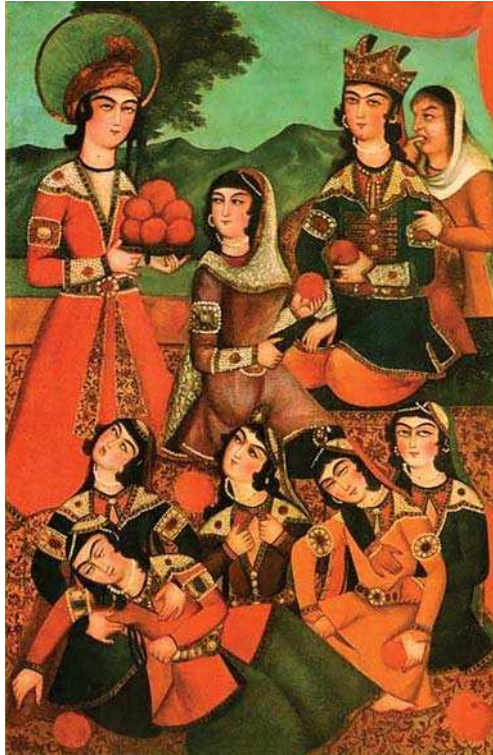
صحنه‌های متفاوت روایت یوسف و زلیخا در نگارگری ایرانی در دوره‌های مختلف مورد توجه نگارگران قرار گرفته است و هر جا صحبت از عاشقانه هاست تصویری از این روایت بویژه گریز یوسف از دام زلیخا نیز مشاهده می‌شود. در برخی از نسخه‌ها مانند بوستان سعدی تنها یک نگاره که معمولاً گریز یوسف از دست زلیخاست (ت ۴) و در برخی مانند هفت اورنگ ابراهیم میرزا (۹۷۳-۹۶۴هـ ق) (ت ۱) و یا نسخه‌های مثنوی یوسف و زلیخای جامی محفوظ در کتابخانه دانشگاه سن پیترزبورگ (۱۰۴۶ هـ) (ت ۲) کل داستان مصور شده است. (پاکباز، ۱۳۷۹: ۹۴). همچنین صحنه حضور یوسف در میان زنان مصری (تصویر ۳)، یا بیرون آوردن یوسف از چاه در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و نیز به عنوان پرده نقالی بسیار مورد توجه بوده است.

تصویرگری از پیکری مردانه با چهره‌ای زیبا در نگاره‌های یوسف و زلیخا، در هر دوره و مکتب نگارگری ایرانی با وجود تفاوت‌های زیاد از یک شیوه زیبایی‌شناسی پیروی می‌کند. شاید آشناترین و ارزشمندترین نگاره این روایت در نگارگری ایرانی "گریز یوسف از دام زلیخا" اثر کمال الدین بهزاد، نگارگر مکتب هرات در قرن نهم هجری قمری باشد (ت ۴). بهزاد، این نگاره را برای بوستان سعدی و قسمت مربوط به توبه و صواب ترسیم نموده است. در دوره معاصر نیز نگاره‌هایی از روایت یوسف توسط محمود فرشچیان در چند دوره متفاوت نقاشی شده است (ت ۵، ۶ و ۷). فرشچیان با استفاده از خرده روایت‌های متفاوت در هر دوره زندگی و کاری یک صحنه از این داستان را به تصویر کشیده است. در این بخش روایت یوسف بسته به هدف و نوع بیان در متون دینی، ادبی و هنری مورد توجه قرار می‌گیرد.

تصویر اول گریز یوسف از دام زلیخا اثر بهزاد

کمال الدین بهزاد نقاش بزرگ مکتب هرات، در سده نهم نگاره‌ای از داستان یوسف و زلیخا برای تصویرگری باب نهم بوستان سعدی که به توبه و صواب پرداخته است، تصویر می‌کند. نگاه بهزاد بیش از آن که با متن بوستان از روایت یوسف سازگاری داشته باشد با نگاه جامی عارف و همین‌طور با طریقت نقشبندیه ارتباط دارد. بهزاد در این نگاره با تکیه بر خلاقیت هنری خویش و استفاده از

عناصری نو، چندان مقید به خوانش مسلط شعری نبوده، بلکه خوانشی جدید و متفاوت ارائه داده که در آن متأثر از متنی پنهان از خود بوده است (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۴۵۰). نگاره بهزاد (تصویر شماره ۴) یکی از اوج‌های داستان یعنی لحظه فرار یوسف و گرفتن پیرانش از پشت سر توسط زلیخا را با تاکید بر روایت قرآن به تصویر می‌کشد. در تورات زلیخا جامه یوسف را می‌گیرد و یوسف جامه را در دست زلیخا رها کرده و می‌گریزد. (رجوع به جدول شماره ۱). این نگاره تنها دو پیکره دارد و هدف نقاش در نشان دادن خلوت و تنهایی زلیخا در کاخ را بخوبی نشان داده است. زلیخا با لباس سرخ مایل به نارنجی که رنگی مادی، زمینی و سرشار از نیروی جاذبه جنسی است و در القای حرکت تهاجمی او نقش مؤثری دارد و چشم را روی او متمرکز می‌سازد و یوسف با لباس سبز که نشان از دانش، نجابت و پاکی و ایمان، تقدس و معنویت او دارد نشان داده شده است. جهت دست یوسف چشم را به سوی در آبی (نشانه نجات و آزادی) هدایت می‌کند. رنگ طلایی بیان شکوه، جلال و ثروت و برتری موقعیت زلیخا و سبز برای مضمون معنوی داستان به کار گرفته شده است. از سیاه برای تزیینات ساختارهای خطی استفاده شده که تصویر را بارزتر و نمایان‌تر می‌سازد و در کنار نماهای سفید اتاق، سطوح تاریک و روشن پرتحرکی که هماهنگ با مضمون تصویر است استفاده کرده است. رنگ‌ها در این اثر در نهایت هماهنگی و یکدستی به کار رفته و چشم بیننده را خیره می‌کند. هنرمند هفت در به نشانه هفت اتاق در بسته- ای که زلیخا برای یوسف تدارک دیده بود را با تزیینات متفاوت نشان داده است. گریختن یوسف، دستش که در حال گشودن قفل است و دستیازی زلیخا به او، به تحرک صحنه و تأثیرگذاری آن افزوده است. در اینجا، بهزاد از مهارت خود در تزیین کاخ افسانه‌ای زلیخا بهره گرفته و با چیرگی در طراحی و قلم‌گیری ماهرانه، طرح‌هایی زیبا از در و دیوار، قالی و دیگر عناصر ایجاد است. وجود ابیات مرتبط با روایت در نگاره قابل توجه است و مخاطب را به خوانش اثر هدایت می‌کند. خوانش داستان از مرکز شروع می‌شود و نخستین بیت از اشعار سعدی نیز در مرکز نقاشی نوشته شده است. بیت‌های بعدی در قسمت پایین و سپس سایر ابیات در قسمت بالا ادامه پیدا کرده اند. در واقع بهزاد از نگارش شعر به عنوان عنصری بصری استفاده کرده است. شکل‌های مورب نگاشته‌ها، قرار گیریشان در جاهای متفاوت، در هم شکستن خوانش نوشته‌ها از بالا به پایین یا از راست به چپ همگی موجب می‌شوند تا حروف در کنار رساندن پیام متن دارای ارزش‌های بصری نیز باشند. با مطالعه و مشاهده اشعار و نگاره، در نگاه نخست به نظر می‌رسد نگارگر به تصور کردن شعر پرداخته است. ولی با اندکی تأمل می‌توان دریافت که متن مصور در حال توصیف بصری متن مکتوب است و عناصری را به نمایش



تصویر ۳. مدهوش شدن ندیمگان زلیخا از جمال یوسف؛ بدون رقم، تهران، قرن ۱۹ م/ ۱۴ هـ ۶۰×۴۵، موزه سعدآباد مأخذ: پاکباز، ۱۳۸۰: ۱۷۸.

کشیده شده است. صحنه زانو زدن زلیخا مقابل یوسف و خواهش از او، صحنه بزم کنیزکان در باغ و صحنه زنان مصری با ترنج و چاقوهایی در دست. جامی در روایت خود از یوسف و زلیخا به بزم کنیزکان در باغ که توسط زلیخا و برای شکستن مقاومت یوسف در برابر زنان و کنیزکان خوش سیما صورت گرفته است اشاره می‌کند و فرشچیان آن را به تصویر کشیده است. زنان با ترکیب بندی چرخشی اطراف یوسف را فراگرفته اند. یوسف با صورتی جوان و ریش کم مو که نشانه اوج جوانی اوست، لباس سفید و قد بلند در مرکز تصویر ایستاده است. او با یک دست سینی جام و میوه و با دست دیگر پیراهن خود را محکم چنگ زده و در اولین مرکز توجه قرار گرفته است. پس از او زلیخا با لباس قرمز در حالی که با یک دست پیراهن یوسف را گرفته مورد توجه است. یوسف در مرکز قاب محرابی شکل به نشانه معنویت او قرار دارد و هاله دور سرش که شبیه شعله مصور شده با طاق این محراب برخورد کرده است. رنگ‌های بکار رفته در نگاره با وجود محدودیت به خوبی یوسف را نشان می‌دهند. زنان پیر و جوان زیبای بزرگ کرده در اطراف یوسف برخی متعجب و دست به دهان از زیبایی او، برخی با نگاه حریصانه و برخی



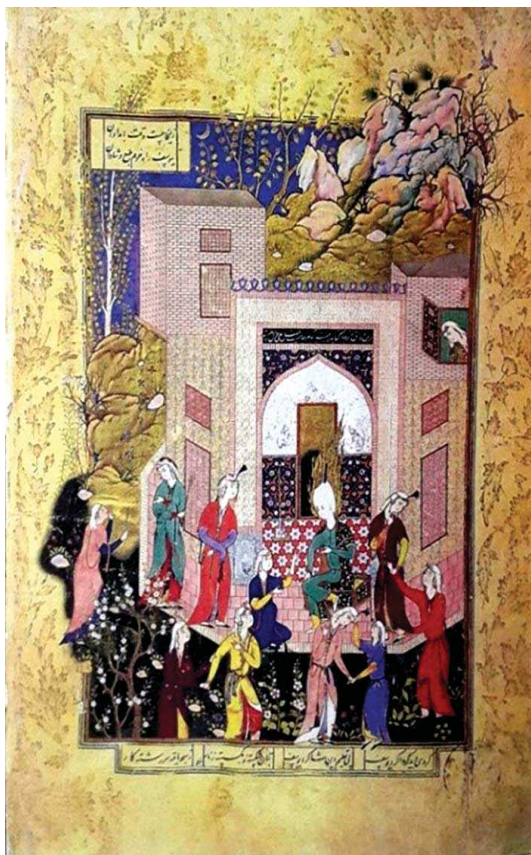
تصویر ۲. گریز یوسف از دامان زلیخا، هفت اورنگ جامی، حدود ۱۸۵۰ میلادی، محفوظ در دانشگاه دولتی سن پترزبورگ، مأخذ: www.sarpoosh.com

گذاشته که در شعر نمی توان آنها را دید؛ برای مثال به تصویر کشیدن بنا با جزئیات کامل شامل دیوارهای تزیین شده که نمایانگر فضای داخلی یک کاخ هستند، درهای بسته در اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت، پلکان، بالکن، بنای دو طبقه، فرش، رنگها و سایر قسمت‌های فضای داخلی تزیین شده، حضور همه جانبه معماری و هنرهای مربوط به آن را در نگاره نشان می‌دهد.

در دوره معاصر روایت یوسف توسط استاد محمود فرشچیان مورد توجه قرار گرفته و در سه نگاره، در سه دوره زمانی متفاوت و با فاصله تصویر شده است. در اولین نگاره (تصویر شماره ۵) با عنوان «یوسف» (مصور شده به سال ۱۳۵۳) چند خرده روایت در کنار هم به تصویر



تصویر ۵. یوسف در میان زنان مصری، فرشچیان، ۱۳۵۳، مأخذ: (اصلاح توسط نویسنده)



تصویر ۴. یوسف و ندیمه‌های زلیخا، منسوب به شیخ محمد، ۲۳،۷×۱۵،۹ سانتی متر، هفت اورنگ ابراهیم میرزا، مشهد، مأخذ: article.tebyan.net

روایت جامی شامل تصاویر معاشقه (به روایت جامی زلیخا به پیشنهاد دایه برای تحریک یوسف نگارخانه‌ای از تصاویر عاشقانه و شهوانی ترتیب داده بود) بت پوشیده روی زلیخا که تقریباً یک سوم بالای صفحه را به خود اختصاص داده، فرشتگانی که بالای تصویر قرار دارند و یکی از آنها به نشانه حیا چشمان خود را گرفته است و اتاقی پر از پرده‌ها، وسایل پذیرایی، ساز و ... این صحنه که در آن فضای سرشار از هیجان و بی اندازه پرباری به تصویر کشیده شده است، در اتاق خلوتی روی می‌دهد که از هر جهت حال و هوای زندگی در مصر عصر فراعنه را زنده می‌سازد. هنرمند در این تصویر از نمادهای مصری مانند مار، شاهین، چشم جهان بین، آنخ، گل لوتوس و ... استفاده کرده و حتی زلیخا را به شیوه آرایش زنان مصری نشان داده است که نشان از تعمق و دقت او می‌باشد. این تصویر در دوره کهن سالی استاد مصور شده و با توجه به موارد ذکر شده دارای بار مذهبی و دقت بیشتری نسبت به تصویر پیشین است.

نارنج و چاقو به دست پراکنده اند. برخی زنان در زیر پای یوسف قرار دارند که نشان از پا گذاشتن یوسف بر امیال نفسانی است. هنرمند در این تصویر قاب را شکسته و زنان را از درون و بیرون قاب تهاجم وار به درون و به سمت یوسف هدایت کرده است. یوسف در این تصویر کاملاً در حلقه فشار زنان نشان داده شده که هجوم مصائب بر او را نشان می‌دهد.

بیست و هفت سال بعد در سال ۱۳۸۰، فرشچیان روایت دوم خود از یوسف را با عنوان «پاکدامن» (تصویر شماره ۶) به تصویر می‌کشند و این بار یوسف و زلیخا را در خلوتی که زلیخا ایجاد کرده نشان می‌دهد. در این نگاره اینبار زلیخا در مرکز تصویر با لباسی پوشیده تر نسبت به تصویر پردازی سال ۱۳۵۳ (قبل از انقلاب اسلامی) و با آرایش زنان مصر قدیم، پشت لباس یوسف را گرفته است. یوسف این بار هم در قابی محرابی قرار گرفته، لباسی سفید به تن دارد، پشت به زلیخا ایستاده و به سمت بیرون قاب در حرکت است. عناصری که در تصویر وجود دارند مطابق

و علاقمند به لمس لباس هستند، حتی کودکی که در پایین سمت راست تصویر کشیده شده دستانش را به طلب لباس جلو آورده است.

این روایت گوشه‌های دیگر از داستان و خرده روایتی دیگر دوری از فرزند، غم فراق و امید وصال را مورد نظر دارد و با نگاه نقاش در دوره‌های قبل که جذبه‌های عاشقانه داستان را به تصویر کشیده بود فاصله دارد. در کارهای اخیر هنرمند گسترش و افزایش دقت و تمرکز و مطالعه در کنار اصول پیشین نگارگری هایش مانند رنگ بندی‌های بی نظیر، تمرکز ریزبینانه بر جزییات و استفاده از ایده‌ها و اندیشه‌های ایرانی به خوبی دیده می‌شود. در این اثر کلبه حقیرانه یعقوب با پرده‌ای که به درخت بسته شده و حصیری که زیر پای اوست بخوبی نمایانده شده است همچنین لباس‌های ساده کنعانیان درست و متناسب با لباس روز قوم یهود (سربند و کپیا، عبا و ردا) مجسم شده است. نتایج بدست آمده از روایت یوسف در نگارگری ایرانی را می‌توان به طور خلاصه در جدول شماره ۳ مشاهده کرد.

فرشچیان در سال ۱۳۸۴ بار دیگر به سراغ این روایت می‌رود و این بار مضمون حضرت یعقوب و دوری او از یوسف را نقاشی می‌کند. عنوان این اثر «رایحه عشق» (یعقوب و پیراهن یوسف تصویر شماره ۷) نام دارد. دوره پیری نقاش و فراق و یاد آوری مرگ فرزند شاید او را به تصویر سازی این گوشه از روایت یوسف واداشته است. در این تصویر نیز همچون دو تصویر دیگر قاب محرابی شکل بالای سر شخصیت اصلی قرار دارد و یعقوب با لباس سفید در مرکز تصویر و درست زیر طاق این قاب قرار دارد. سمت راست بالای طاق فرشته‌ای خندان و آرام به نشانه رسیدن به آرامش یعقوب آرمیده و سمت چپ او پیراهن خونین یوسف، قوچ سربریده شده و گرگی که تهمت خوردن یوسف را به او زده اند نشان داده شده است. یعقوب با موهای سفید پیراهن شاهانه سبز رنگی از یوسف را به آغوش کشیده و می‌بوید و اشک می‌ریزد. نقاش اشک شوق و لیخند را در برخی از چهره‌های اطراف یعقوب نشان داده و به این وسیله غم و شادی همزمان را به نمایش گذاشته است. مردم حالت چرخشی و دایره‌ای دور یعقوب و خیره به او و پیراهن به تصویر کشیده شده

جدول ۲. شاخصه‌های روایی داستان یوسف در سه نسخه معروف طغانشاهی، قمی و جامی و تطبیق با تورات و قرآن، مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	نماد و نشانه	تور	سور	تور	بن مایه‌های داستانی			
					تور	سور	تور	سور
<p>خواب یوسف (ماه و ستاره‌ها)، تعبیر خواب یوسف توسط یعقوب، خواب زلیخا که با عزیز مصر ازدواج می‌کند، خواب زندانیان، خواب شاه، خواب یوسف که یعقوب او را نزد خود می‌خواند و با درگذشت یوسف تعبیر می‌شود.</p>	<p>توجیه علل حوادث، خواب دلیل بیداری و یا نجات بنده است.</p>	خواب و رویا و تعبیر خواب						
		×	×	×	خواب یوسف			
		-	×	×	تعبیر خواب یوسف			
		×	-	-	خواب زلیخا			
		×	×	×	تعبیر خواب زلیخا			
		×	×	×	خواب زندانیان			
		×	×	×	خواب پادشاه			
		×	-	-	خواب یوسف (دیدار با یعقوب)			

ادامه جدول ۲.

هر دو خرده روایت‌هایی وارد متن کرده اند ولی جامی از تورات و منابع عبری بیشتر استفاده کرده است.		اشتراکات با تورات و قرآن			
حسد برادران یوسف به وی و انداختن او در چاه به منظور تغییر سرنوشتشان. سفارش یعقوب به پسران هنگام دریافت غله که از دروازه‌های متفاوت وارد شهر شوند تا مورد حسادت واقع نشوند (آیه ۶۷ سوره یوسف)		حسد ورزی			
		نقش تعلیمی در داستان دارد. عامل ویرانگری و تصمیم‌گیری اشتباه شخص حسد ورزنده به منظور تغییر سرنوشت			
		حسد برادران	×	×	×
		ورود از دروازه‌های متفاوت شهر	-	-	-
مورد حسد واقع شدن هم در قرآن و هم تورات ذکر شده ولی هر سه متن ادبی تنها از حسد برادران گفته اند		اشتراکات با تورات و قرآن			
نصیحت دایه به زلیخا، به زنجیر بستن زلیخا، دعا و نذر و نیاز برای اجابت آرزو، قاصد فرستادن پدر زلیخا نزد عزیز مصر و ازدواج با زلیخا، ساختن نگارخانه توسط دایه برای به دام انداختن یوسف،		چاره جویی اطرافیان زلیخا			
		نصیحت دایه	×	-	-
		نذر و نیاز و دعا	×	-	-
		چاره جویی برای رهایی از عشق	×	-	-
		به زنجیر بستن	×	-	-
		قاصد فرستادن	×	-	-
		ساخت نگارخانه	×	×	×
چاره جویی اطرافیان در قرآن و تورات دیده نمی‌شود.		اشتراکات با تورات و قرآن			
نیرنگ‌های داستان عبارتند از توسط عمه یوسف، بردن یوسف به صحرا توسط برادران با نیرنگ، به چاه افکندن او، دروغ به پدر، نیرنگ‌های زلیخا، گذاشتن جام در بار بنیامین.		حیله و نیرنگ			
		تهمت توسط عمه	-	×	-
		در منظومه‌ها به شکل‌های گوناگون ظهور یافته است.	×	×	×
		بردن به صحرا	×	×	×
		رسیدگی و توجه به یوسف توسط عمه	×	×	×
		رسیدن به مقصود و رهایی یافتن از طریق نادرست توسط برادران و زلیخا	×	×	×
		رسیدن به هدف نهایی و دیدار پدر توسط یوسف	×	×	×
		نیرنگ‌های زلیخا	×	×	×
		گذاشتن جام در بار	-	×	×
تهمت عمه به یوسف در قرآن نیامده ولی سایر موارد در قرآن و تورات آمده است		اشتراکات با تورات و قرآن			



گرفتار شدن یوسف در چاه که به چاه یوسف، چاه کنعان، یوسف چاهی و پیغمبر چاهی و مانند آن تعبیر شده است.	چاه نماد جهان مادی، جسم و طبیعت بشری و یوسف نماد نفس ناطقه و روح و جان است	×	×	×	چاه
سفر زلیخا به مصر برای دیدار یوسف، سفر یوسف برده به مصر، سفر بازگه به مصر برای دیدار یوسف، سفرهای برادران یوسف به مصر برای خرید غله، سفر یعقوب و اهل بیتش به مصر برای دیدن یوسف.	گذر و صعود از مرحله‌ای به مرحله دیگر برای رسیدن به رهایی، نجات از فقر یا وصال که برخی اجباری و برخی اختیاری صورت گرفته است.	×	-	-	سفر زلیخا
		×	-	-	سفر یوسف
		×	-	-	سفر بازگه
			×	×	سفرهای برادران
			×	×	سفر یعقوب
		سفر یوسف، برادران و یعقوب در قرآن و تورات آمده، سفر زلیخا در تورات و سفر بازگه در هیچکدام نیامده است			
در پایان در هر سه منظومه با توبه و رستگاری زلیخا به وصل یوسف رسیده و پاداش رنجهایش داده می‌شود	گرفتن پاداش از پروردگار در صورت داشتن نیت واقعی	×	×	×	عشق آغاز عشق از سوی معشوق
		×	×	×	عشق یک طرفه
در هر سه داستان دو نیرو به هم می‌پیوندند و یکی می‌شوند	تضاد و تقابل. تقابل عشق زمینی زلیخا با عشق الهی یوسف و پیروزی عشق الهی	×	×	×	عشق نامادری به نافرزندی
یوسف به کمک الهام غیبی و هدایت الهی مقابل زلیخا مقاومت می‌کند	زلیخا نماد نفس عماره یوسف نماد ارزشهای والای انسانی	×	×	×	عشق نامادری به نافرزندی
نافرجام و عبور از معصیت	عشق یک طرفه	×	×	×	عشق نامادری به نافرزندی
عشق به خدا و عشق زلیخا به یوسف در قرآن و تورات آمده در اشعار منظور عشق زمینی است					اشتراکات با تورات و قرآن
وجود معجزات شامل آمدن جبرئیل به چاه و جلوگیری از آسیب دیدن یوسف، وقوع طوفان هنگام ضرب و شتم یوسف توسط کاروانیان، جوان شدن زلیخا پس از توبه یا پس از ازدواج با یوسف، علم تعبیر خواب که در هر نسخه به بخشی از آنها اشاره شده است	رمزآفرینی و وجه ممیز اتفاقات خارق العاده در داستان با توجه به پیامبر بودن قهرمان داستان	×	×	×	معجزات الهی آمدن جبرئیل به چاه
		-	×	×	وقوع طوفان
		×		×	جوان شدن زلیخا بعد از توبه
		-	×	-	جوان شدن بعد از ازدواج با یوسف
		×	×	×	علم تعبیر خواب

ادامه جدول ۲.

علم تعبیر خواب در تورات و قرآن و سایر موارد در تورات آمده است.		اشتراکات با تورات و قرآن			
		حضور دایه			
آگاه شدن از عشق زلیخا، ساخت خانه تو در تو، ساختن نگارخانه،	نشانه همدم و راهنما و گردن گرفتن تقصیر دیگری	×	-	-	آگاهی از عشق
		×	×	×	ساخت خانه هفت در
		×	×	×	ساخت نگارخانه
حضور دایه در قرآن و تورات نیامده است		اشتراکات با تورات و قرآن			
		مجالس بزم			
بزم کنیزکان در باغ توسط زلیخا برای شکستن مقاومت یوسف، بزم دو نفره زلیخا در کاخ در بسته، بزم زلیخا و زنان مصری،		×	-	-	بزم کنیزکان
		×	×	×	بزم زلیخا
		×	×	×	بزم زنان مصری
در قرآن و تورات نیامده است		اشتراکات با تورات و قرآن			
		تهمت			
تهمت دزدی شال توسط عمه، تهمت به گرگ که یوسف را دریده، تهمت بردگی و فرار از کار به یوسف هنگام فروش او به کاروانیان، تهمت زلیخا به یوسف، تهمت دزدی تاس طلای شاه به بنیامین	پیشبرد اهداف شخصی با گره افکنی و تهمت به دیگران که در نهایت ناکام می ماند	×	-	-	تهمت دزدی شال
		×	×	×	تهمت به گرگ
		×	×	-	تهمت بردگی و فرار از کار
		×	×	×	تهمت زلیخا به یوسف
		-	×	×	تهمت به بنیامین



<p>دزدی شال تنها در تورات، تهمت بردگی و فرار در هیچکدام، و مابقی در تورات و قرآن وجود دارد</p>					
<p>از زمان جدایی از پدر دچار سختی‌های زیادی می‌شود، چاه، اسیری، دوری از پدر و سفر اجباری به مصر و افتادن به زندان در غربت</p>	<p>نماد رنج انسان با ایمان در مسیر کمال و به عبارتی رسیدن از چاه به چاه</p>	تحمل سختی‌ها			
		×	×	×	چاه
		×	×	×	اسیری
		×	×	×	دوری از پدر
		×	×	×	رفتن به مصر
		×	×	×	زندان شدن
در تورات و قرآن وجود دارد				اشتراکات با تورات و قرآن	
<p>در این داستان یوسف با مواردی همچون چاه و زندان، به دام افتادن در قصر در بسته، و زلیخا با رسوایی در بین زنان و شرمساری، صبر کردن پس از مرگ عزیز تا رسیدن به وصال یوسف</p>	<p>در دو بخش انجام می‌شود: نشان دادن یوسف به عنوان بنده شایسته خداوند و نشان دادن عشق واقعی و خالص زلیخا به یوسف که در نهایت هر دو به هم پیوند می‌خورند</p>	آزمایش‌های مادی و معنوی			
		×	×	×	چاه
		×	×	×	زندان
		×	×	×	به دام افتادن در قصر
		×	×	×	رسوایی
		×	-	-	صبر تا وصال
در تورات و قرآن وجود دارد				اشتراکات با تورات و قرآن	
<p>برای یوسف جدایی از مادر، دوری از پدر، گرفتاری و تنهایی در چاه و گرفتاری در زندان، و برای زلیخا دوری از یوسف در مراحل متفاوت</p>	<p>نشانه گذراندن مراحل کمال و دیدن واقعیت الهی و صعود به مرحله بعدی زندگی و یا وصال است</p>	انزوا			
		×	×	×	جدایی از مادر
		×	×	×	دوری از پدر
		×	×	×	گرفتاری در چاه
		×	×	×	گرفتاری در زندان
		×	×	×	دوری از یوسف
در تورات و قرآن وجود دارد				اشتراکات با تورات و قرآن	

ادامه جدول ۲.

		صبر و انتظار			
		انتظار در چاه	انتظار یعقوب	انتظار زلیخا به وصال	انتظار یوسف در زندان
انتظار در چاه برای رهایی، انتظار یعقوب به دیدن فرزند، انتظار زلیخا در مصر به امید رسیدن یوسف، انتظار یوسف در زندان به امید اثبات بی گناهی اش، انتظار زلیخا به امید لغزش یوسف، انتظار زلیخا پس از مرگ عزیز مصر و صرف کردن عمر و دارایی اش در این راه. انتظار یوسف برای دیدن دوباره برادران و پدرش،	صبر از مفاهیم ارزشمند دینی و نشانه امید و رسیدن به نتیجه شیرین است.	x	x	x	x
	x	x	-	-	
	x	x	x	x	
	x	x	-	-	
	x	x	x	x	
	x	-	-	-	
	x	x	x	x	
در قرآن و تورات آمده است		اشتراکات با تورات و قرآن			
		داستان‌های فرعی			
		بازغه	طوفان در صحرا	عشق یعقوب به یوسف	بریده شدن دستان زنان مصری
داستان بازغه دختر ثروتمندی از قوم عاد که با شنیدن ذکر جمال یوسف به سوی او می‌آید و ایمان می‌آورد، داستان طوفان در صحرا هنگام تنبیه یوسف، داستان عشق یعقوب به یوسف، داستان بریده شدن زنان مصری هنگام خوردن نارنج	کشش بیشتر، انتظار و تعلیق مخاطب.	x	-	-	-
	-	x	x	-	
	x	x	x	x	
	x	x	x	x	
عشق یعقوب به یوسف در قرآن و تورات آمده است		اشتراکات با تورات و قرآن			



تصویر ۷. رایحه عشق، فرشچیان، ۱۳۸۴، مأخذ: (اصلاح توسط نویسنده)



تصویر ۶. پاکدامن، فرشچیان، ۱۳۸۰، مأخذ: (اصلاح توسط نویسنده)

۱. کبیا کلاه یهودی هاست. طبق نوشته شولحان عاروخ، بستن سر از امور مهم بوده و مرد سرناپوشیده نباید تورات بخواند، به کنیسه وارد شود و یا بیشتر از ۴ ذرع راه برود. عاروخ ۶: ۱

جدول ۳. شاخصه‌های روایت یوسف در نگارگری قدیم و جدید، مأخذ: نگارندگان.

عنوان	گریز یوسف از زلیخا (تصویر ۱)	یوسف (تصویر ۵)	پاکدامن (تصویر ۶)	رایحه عشق (تصویر ۷)
نوع روایت	نگارگری	نگارگری	نگارگری	نگارگری
بستر و زمان	سده نهم هجری کمال الدین بهزاد	۱۳۵۳- فرشچیان	۱۳۸۰- فرشچیان	۱۳۸۴- فرشچیان
تاکید بر خرده روایت	کشمکش یوسف و زلیخا و فرار یوسف از دست زلیخا	التماس زلیخا، بزم، بریدن دست به جای نارنج توسط زنان مصری	کشمکش یوسف و زلیخا، التماس زلیخا و فرار یوسف، نگارخانه	دریافت پیراهن یوسف، پایان غم فراق فرزند، امید، رسیدن به وصل
هدف استفاده از روایت	تاکید بر پاکدامنی یوسف، عشق زمینی و خواسته شیطانی زلیخا،	تاکید بر جمال زیبایی یوسف، عشق زمینی و یک طرفه زلیخا، تاکید بر پاکدامنی یوسف، اثبات حقانیت زلیخا	تاکید بر پاکدامنی یوسف و شیطانی بودن زلیخا، خدا ترسی	با بار نشستن صبر و پایان فراق
ویژگی خاص روایت در تصویر	اهمیت به رد درخواست زلیخا توسط یوسف	اهمیت دادن به یوسف، بزم زنان مصری برای اثبات حقانیت زلیخا، تصویرسازی قبل از انقلاب و دوره جوانی هنرمند	اهمیت به رد زلیخا توسط یوسف، ترس از خدا، نگارگری بعد از انقلاب و دوره تصویرگری مذهبی نقاش	دوران پیری نقاش و تاثیر غم از دست دادن فرزند.

نتیجه

روایت یوسف متنی قدیمی است که در متون مقدس، عارفانه و عاشقانه و در رسانه‌های ادبی و هنری ظهور یافته است. داستان یوسف با دو بخش کودکی و زندگی او در مصر و با یک ساختار مشخص ولی با خرده روایتها و چهارچوب بندی ویژه در هر دوره به خصوص در ارتباط با نوع روایت و ساختار و همین طور نگاه به عشق و ازدواج در هر دوره متفاوت روایت شده است. این روایت در هر دوره بسته به نگاه غالب حاکم در زمان و جامعه و خصوصیات ویژه مولف اثر تغییراتی در شیوه ارائه داشته است که باعث شده تاکنون در بین مردم زنده بماند و در زندگی و هنرشان جاری باشد. در بررسی این روایت می‌توان نتایج زیر را مشاهده کرد: ۱- در تورات به خاطر نوع داستان پردازی و شیوه روایت مستقیم در زمان مکتوب شدن متن، داستان با تمامی جزئیات و با پرداخت ساده خطی از کودکی تا پایان زندگی یوسف نقل

شده است. قوم یهود با زیر ساخت حاکم بر دین خود و تاکید بر قومیت، این داستان را با هدایت به سمت «ناجی قوم» (قوم یهود) بودن، حفظ نفوس و جمع کردن یک قوم، عزت، آزمون، گرفتاری و رهایی یوسف نقل و شخصیت پردازی و خرده روایت‌های این داستان را به مخاطب خود عرضه می‌دارد.

۲- در قرآن نقل حکایت و مثلها بیشتر به قصد اشاره برای بیان قصد اصلی که آموزش و راهنمایی است بیان می‌شود؛ بنابراین شیوه روایت داستانها حلقوی است. خرده روایت‌های داستان یوسف در قرآن ارتباط او به عنوان یک انسان پاک با خداوند، تنها نبودن و حضور خداوند در هر شرایطی، محبوبیت، برگزیده بودن، آزمون، گرفتاری، رهایی، لغزش، پاکدامنی، را مد نظر دارد. چینش داستان اشاره‌ای است و با جزئیات کمتری نسبت به تورات نوشته شده است. یوسف تنها نام خاص در این سوره است و شخصیتها فقط برای کامل کردن داستان کاربرد دارند. ۳- در ادبیات فارسی نمونه‌های زیادی از این داستان به نظم و نثر نوشته شده است که برخی برگرفته از تورات و برخی از قرآن می‌باشند. معروفترین نسخه‌های این روایت در منظومه‌های فارسی عبارتند از منظومه‌های یوسف و زلیخای طغانشاهی و مسعود قمی که به قرآن و حالت اشارتی آن بیشتر پایبندند و منظومه جامی که علاوه بر روایت قرآن، به منابع عبری و اشارات عرفانی که در سده نهم و همزمان با سرودن این منظومه گسترش داشته نیز توجه خاص داشته است. جامی برای گسترش داستان مطابق با مقاصد فکری خود شخصیت‌های فرعی مانند بازغه را وارد داستان می‌کند و با ارتقاء شخصیت زلیخا و تبدیل عشق زمینی او به عشق الهی نشان می‌دهد که ظاهر و عشق را فقط بهانه‌ای برای شناخت خدا می‌داند. ۴- نگاره گریز یوسف از زلیخای بهزاد مطابق با نگاه و دید جامی و متأثر از طریقت نقشبندیه انجام شده است. بهزاد در اثر خود با به تصویر کشیدن تنها دو پیکره انسانی با رنگهایی که محتوای مادی و معنوی دارند، نیز تاکید بر فضای معماری پیچیده و گسترده و تاکید بر درهای بسته، در صدد نشان دادن معنویت و پاکدامنی یوسف و گریز از هزارتوی ساخته شده زلیخا (مادیات) و توجه به خداست. ۵- در دوره معاصر بهترین تصاویر از این داستان توسط استاد فرشچیان صورت گرفته است. وی علاوه بر توجه به روایت‌های تورات و قرآن بویژه در دو اثر آخر خود تاکید و توجه زیادی به جزئیات داشته و بسترهای فرهنگی و اجتماعی زمان روایت را به خوبی در آثارش مورد توجه قرار داده است. خرده روایتها در آثار فرشچیان نشان از افزایش تدریجی فردیت در کار هنرمند، تاثیر از بسترهای فرهنگی و اجتماعی، تاثیر زندگی شخصی هنرمند، با تاکید بر جزئیات و دقت و توجه به نکات ظریف و کاربرد آنها دارد. در تصاویر این هنرمند معاصر، به غیر از تاثیرات جامعه، تغییر شیوه تفکر یک نقاش در سه دوره متفاوت زندگی دیده می‌شود. او در ابتدا و پیش از انقلاب با نگاهی اسطوره‌ای و عاشقانه یوسف و زلیخا را به تصویر می‌کشد که مختص سن و شرایط زندگی اش بوده است. با افزایش سن، تغییر خلیات، تفکر و شرایط زندگی هنرمند پس از انقلاب، نگاه او تغییر کرده و با به تصویر کشیدن پاکدامنی و گریز از وسوسه شیطانی، نگاهی دینی و مذهبی را به نمایش می‌گذارد و در آخرین اثر خود با عنوان «رایحه عشق» شاید با به تصویر کشیدن یعقوب در صدد نشان دادن غم فراق فرزندش باشد.

منابع و مآخذ

احمدی، محمد نبی، ظریفی، کژال، (۱۳۹۳)، بازتاب یوسف در شعر معاصر عربی و فارسی، دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، شهریور ۱۳۹۳.
ارباب شیرانی، سعید، (۱۳۹۰)، اشکال یک اسطوره گونه گونی شخصیت ادبی یوسف، مترجم مجد الدین کیوانی، تهران، نیلوفر.
بتلهایم، برونو (۱۳۸۳)، کودکان به قصه نیاز دارند؛ ترجمه کمال بهروز کیا، تهران، پژوهشکده مردم‌شناسی، افکار.

- پاکبار، رویین، (۱۳۷۹)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران، نارستان.
- جامی خراسانی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳۹۲)، مثنوی هفت اورنگ، تهران، کارگاه فیلم و گرافیک سیاسی.
- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۷۷)، یوسف و زلیخا، به تصحیح ناصر نیکوبخت، تهران، انتشارات آوای نور
- خزانه دارلو، محمدعلی، (۱۳۷۵)، منظومه‌های فارسی، تهران، انتشارات روزنه.
- خواجه مسعود قمی، (۱۳۶۹)، یوسف و زلیخا و شمس و قمر، به تصحیح سید علی آل داوود، تهران، انتشارات آفرینش
- خیامپور، عبدالرسول، (۱۳۳۹)، یوسف و زلیخا، تبریز، انتشارات شفق.
- رسولی، زهرا، (۱۳۸۳)، کمال الدین بهزاد، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بهزاد، تهران، فرهنگستان هنر.
- زواری، محمد امین، ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸)، روایت شناسی قصه یوسف و زلیخا، فصلنامه کاوش نامه، سال دهم، شماره ۱۹، صص ۳۷-۶۹
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۱)، ج ۱ و ۲، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ ششم، تهران، انتشارات فردوس.
- صوابی، عبدالناصر (۱۳۹۴)، اغوای یوسف: تجزیه و تحلیل تابلوی گریز یوسف از زلیخا، اثر استاد کمال‌الدین بهزاد هراتی، ایران نامک، سال ۳۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۲۹۴-۲۷۶.
- فرشچیان، محمود (۱۳۹۲) ترنم طبیعت، آثار استاد فرشچیان، تهران، خانه فرهنگ و هنر گویا.
- کاظمی، داریوش، حیدری، محمد (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی داستان یوسف و زلیخا در منظومه‌های فارسی یوسف و زلیخای: منسوب به فردوسی، جامی و خاوری، با روایت عربی نهاییه الارب فی فنون الادب احمد النویری، نشریه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۳۵-۱۵۹
- مرادی، ابراهیم، فنایی، زهرا، شمس، فاطمه (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی ظرفیت دراماتیک داستان غنایی یوسف و زلیخا جامی با ساختار فیلمنامه داستانی، نخستین همایش ملی ادبیات غنایی دانشگاه آزاد نجف آباد. مشار، خانابا، (۱۳۵۲)، فهرست کتاب‌های چاپی، جلد ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- مینوی، مجتبی، (۱۳۷۲)، فردوسی و شعر او، تهران، انتشارات توس
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۲)، یوسف و زلیخا از تفسیر فارسی تربت جام، چاپ ششم، تهران، چاپخانه سپهر.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۲)، درآمدی بر اسطوره شناسی، تهران، سخن.
- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶)، مطالعه بینامتنی نگاره یوسف و زلیخا (در جستجوی متن پنهان)، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کمال الدین بهزاد.
- یوسف قارو (کارو)، (۱۵۴۲)، شولحان عاروخ.



- Bettelheim, Bruno (2004), *Children Need Stories*; Translated by Kamal Behrozkia, Tehran, Anthropology Research Institute, Afkar.
- Pakbar, Rouin, (2000), *Iranian painting from ancient times to the present*, Tehran, Narestan.
- Jami Khorasani, Nouredin Abdolrahman Ibn Ahmad (2013), *Masnavi Haft Orang*, Tehran, Sepas Film and Graphic.
- Jami, Abdolrahman, (1998), *Yusef and Zuleikha*, edited by Nasser Nikobakht, Tehran, Avae- Noor Publications
- Khazaneh Darloo, Mohammad Ali, (1997), *Persian Poems*, Tehran, Rozaneh Publications.
- Khajeh Massoud Qomi, (1991), *Yusef and Zuleikha and Shams and Qamar*, edited by Seyyed Ali Al-Dawood, Tehran, Afarinesh Publications
- Khayampur, Abdolrasoul, (1961), *Yusef and Zuleikha*, Tabriz, Shafaq Publications.
- Rasouli, Zahra, (2004), *Kamaluddin Behzad*, Proceedings of Behzad International Conference, Tehran, Academy of Arts.
- Zavari, Mohammad Amin, Zolfaghari, Hassan (2009), *The Narrative of the Story of Yusuf and Zulaikha*, Kavoshnameh Quarterly, Year 10, No. 19, pp. 37-69
- Safa, Zabihollah, (1993), vols. 1 and 2, *History of Literature in Iran*, sixth edition, Tahan, Ferdows Publications.
- Swabi, Abdolnasser (2015), *Yusef's seduction: An analysis of Yusef's escape from Zuleikha*, by Kamaluddin Behzad Herati, Iran Namak, Volume 30, Number 4, Winter 2015, pp. 294-276.
- Farshchian, Mahmoud (2013) *Nature song, works of Master Farshchian*, Tehran, Gooya House of Culture and Art.
- Kazemi, Dariush, Heidari, Mohammad (2012), *A Comparative Study of the Story of Yusuf and Zuleykha in the Persian Poems of Yusuf and Zuleykha: Attributed to Ferdowsi, Jami and Khavari, with the Arabic Narration* Third, No. 6, Summer 2012, pp. 135-159.
- Moradi, Ebrahim, Fanaei, Zahra, Shams, Fatemeh (2016), *A Comparative Study of the Dramatic Capacity of the Lyrical Story of Yusef and Zuleykha Jami with the Story Screenplay Structure*, The First National Conference on Lyrical Literature of Najafabad Azad University.
- Mashhar, Khanbaba, (1974), *List of Printed Books*, Volume 2, Tehran, Book Translation and Publishing Company
- Minavi, Mojtaba, (1994), *Ferdowsi and his poetry*, Tehran, Toos Publications
- Natel Khanlari, Parviz (1974), *Yusef and Zuleikha from the Persian commentary of Torbat Jam*, sixth edition, Tehran, Sepehr Printing House.
- Namvar Motlagh, Bahman (2013), *An Introduction to Mythology*, Tehran, Sokhan.
- Namvar Motlagh, Bahman (2007), *An intertextual study of the paintings of Yusef and Zuleikha (in search of a hidden text)*, Proceedings of the Kamaluddin Behzad International Conference.
- Yusef Qaroo (Karo), (1542), *Shulhan Arukh*.



expresses the relationship and intersection of texts in different cultures throughout the history of human life, which are influenced by each other due to the nature of social life and cultural proportions and interactions. The creation of new texts with new approaches exposes them to the «reading» of other generations, and in fact it is the intersection and connection of texts that leads to their evolution. Narratives on art, literature and love have made a great contribution in the relationship between culture and the depth of society and people, as well as the fusion of different nations and cultures with each other, and love in this narrative, as a comprehensive theme for creating art and literature and creating interaction between the dominant culture of the time and the people, is of interest. Joseph's story has a religious origin and is introduced in the holy books of Judaism and Islam, and has since been widely discussed in religious and mystical interpretations, as well as art and literature. This research aims to: 1- Identify the considered elements and the components used in Joseph's narrative in different periods of recreating the narrative in the media and used in that time and culture (literature and visual arts) and to 2- Identify the similarities and differences of this narrative in different literary, artistic and sacred texts, studies the intertextuality of this narrative. It seeks to answer the following questions: 1- How have the context of time, community culture and the type of creator's attitude influenced how the narrative is presented in the context and the use of the sub-narratives? 2. What are the similarities and differences of this narrative in different literary, artistic and sacred texts? The research method is descriptive-analytical with a comparative approach and the collection of materials is documentary. In data analysis, the use of narrative and sub-narratives in each medium were examined separately and then matched with each other. This research aims to discover the changes and differences in the narratives of Joseph and the pattern of narrative of Joseph in different times, and to look at this romantic myth in the cultural context of the time of recreation. Then, the intertextuality method is used to analyze the myths and to match the texts with each other. In the analysis method, first the religious texts and their processing method are examined according to the narration, and then these processing methods, in each of the sources of Torah, Qur'an, Haft Awrang, Behzad's drawing and Farshchian's paintings, are analyzed and matched. The results show that the use of sub-narratives, changes in narrative style at different times, the effects of society on narration at different times, the influence of the author and the pattern of time on the effect and its impact on society make it widely used in the arts, especially in the contemporary arts. The expression of this narrative and the use of sub-narratives have varied over time and according to socio-cultural requirements. While emphasizing the essence of the story (Qur'an and Torah), artists have considered factors such as the interaction between society and myth, change in society and culture and its impact on the artist's perspective, and have incorporated various sub-narratives into each art form.

Keywords: Intertextuality, Narrative of Joseph, Holy Texts, Literary Texts, Artistic Texts

References: The Holy Qur'an, Surah Yusuf. (translation by Elahi Ghomshei).

Torah, Genesis

Ahmadi, Mohammad Nabi, Zarifi, Kajal, (2014), Yousef's Reflection in Contemporary Arabic and Persian Poetry, The Second National Conference on Comparative Literature, Razi University, September 2014.

Arbab Shirani, Saeed, (2011), Forms of a Myth of Diversity of Yousef Literary Character, translated by Majduddin Kiwani, Tehran, Niloufar.

A Comparative Study of the Narrative of “Joseph” in Holy Texts, Persian Literature and Iranian Miniature Painting

Marzieh Golabgir Esfahani, Department of Art, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Zahra Fanaei, Department of Art, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 2021/03/08 Accepted: 2021/08/31



Literary-artistic texts are better known and decoded in the context of their formation. Codes of artwork are seriously affected by the semantic roots from which the work develops. That is why a text in different periods has different implications. The story of Joseph is one of the stories that has been considered in the sacred texts of the Torah and the Qur'an, art, literature and mysticism of various eras, and over the years, artists, poets, and moviemakers have paid much attention to it. Joseph's narrative has been expressed in a special way in each period in accordance with the paradigm of time and with the effects that the author has had on the narration in the context of its formation, and in recreating the work, different sub-narratives have been used in creating the text, and it has considered the use of the story, the theme or the representation of a sub-narrative of a section of the narrative in various arts and media. This study intends to examine Joseph's narrative in an intertextual manner in literary, artistic and religious texts, as well as cultural, social and historical influences, the author's personal life in narration, and myth analysis in different periods of creation, and the expression manner in each media. In the narrations mentioned from the story of Joseph in different texts, the various relations of the texts in terms of form and meaning are mentioned, which is called intertextuality. But what is considered today in the field of literary criticism and theories as intertextuality, is not simply the expression of the relationship between texts. Intertextuality